

منطق قرآن در برابر تندروها

سید احمد زرهانی



و تجزیه سوق دهد، تا هم جلوی طلوع تمدن نوین اسلامی را بگیرد و بیداری اسلامی را به انحراف کشاند و هم با ایجاد جنگ، ویرانی و عقب افتادگی در سرزمینهای اسلامی، بازار پروتقی برای فروش کالاهای خود فراهم آورد و دولتمردان کشورهای مسلمان را مجبور به حراج نفت و گاز و معادن خود کند.

در این فضای متلاطم، اسرائیل غاصب نفس راحت می‌کشد و با خاطر آسوده به سرکوب و کشتار مسلمانان اهل سنت و بی‌پناه فلسطینی می‌پردازد و هر روز نقشه‌ای برای تخریب و مصادره مسجد الاقصی می‌کشد. با آنکه گروههای مسلح تکفیری، بیخ گوش رژیم اشغالگر قدس اردو زده‌اند، حتی یک ضربه به آن وارد نمی‌کنند و در عوض با تمام قدرت به برادرکشی روی آورده‌اند و میلیونها مسلمان را آواره و دربه‌در کرده‌اند. فقر، گرسنگی، فلاکت و مرگ این آوارگان، دل هر انسانی را جریحه‌دار می‌کند و شگفتا فریادرسی

یکی از آفتهای جهان اسلام در عصر حاضر، تندروی، افراط و تفریط و روی آوردن به تنازع، ارهاب و ارباب است. از رهگذر این بلای خانمان‌سوز، امنیت و آسایش مسلمانان دستخوش بحران شده است و هر روز فاجعه‌ای از مسلمان کشی در گوشه‌ای رقم می‌خورد. بی‌رحمی، شدت عمل، تهاجم و غلظت قلب رونق یافته است و ادب، اخلاق، عقلانیت و مدارا کم‌رنگ می‌شود.

استعمارگران در آغاز قرن بیستم با فروپاشی و انحلال دولت عثمانی که نماد اقتدار بخش بزرگی از جهان اسلام بود، توانستند تعدادی کشور کوچک و متخاصم درست کنند و از این طریق بذر تفرقه و تضاد را در جهان اسلام افشانند. امروز هم در آغاز قرن بیست و یکم و پس از ۱۰۰ سال، قطب استعمار و استکبار به تجزیه همان کشورها می‌اندیشد و می‌خواهد کشورهایی نظیر مصر، عربستان سعودی، ترکیه، عراق، سوریه و افغانستان و دیگر بلاد اسلامی را به ورطه تفرقه



هم نیست و هر روز شرایط بحرانی تر می‌گردد. در جنگهای داخلی جهان اسلام، مسلمانان از هر طرف کشته می‌شوند و نتیجه‌ای جز آوارگی، ویرانی، فقر، بیکاری و بیماری عاید نمی‌گردد. گویی جنگ افروزان، قدرت تخمین آینده را ندارند و از تجزیه و تحلیل پیامدهای حرکت خویش در مانده‌اند و بدون راهبرد و چشم انداز روشن و عقلانی، ماشه‌ها را می‌چکانند و داغ بر روی داغ در دل اهل قبله می‌نشانند. ریشه اصلی این ماجرا انحطاط و انجمادی است که در طرز تفکر طیفی از مسلمانان پدید آمده است که خود را بر حق و گروههای دیگر را بر باطل و از دایره مسلمانی به دور می‌دانند. در صورتی که همه این جریانها در توحید، نبوت و معاد، مشترک و معادل می‌باشند و به‌رغم اختلافات فقهی، کلامی، تاریخی و فرهنگی، یک خاستگاه اعتقادی دارند و به تعبیر رسای قرآن مجید، مؤمن و برادرند.

این سنت الهی است که خداوند فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۱. تا آن انحطاط و اعوجاج فکری اصلاح نشود، انحراف در عمل استمرار دارد و آتش برادرکشی خاموش نمی‌گردد. در این شب ظلمانی باید روی به خورشید قرآن آورد که لایزال نور می‌افشاند و بارقه‌های هدایت را به جای امواج گمراهی می‌نشانند. منطبق قرآن در برابر تندرویها روشن

۱. رعد، ۱۱.

است و در این مجال به برخی از شاخصه‌های آن اشاره می‌شود:

۱) امت میانه، امت واحده و دین حنیف

شیخ الانبیا حضرت ابراهیم خلیل (ع) و پدر موحدان تاریخ، مبلغ دین حنیف بود: «قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»^۲. دین حنیف همان صراط مستقیم الهی است که از کج‌روی، افراط، تفریط و شرک مصون است و به شکوفایی فطرت توحیدی انسانها و یکتاپرستی می‌انجامد. اگر هر فرقه‌ای به مصداق «كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ»^۳، به طرف خود بکشد و خود را حق مطلق بیندارد، دیگر به سادگی نمی‌توان شاهد امت واحده بود، در حالی که جامعه مطلوب انبیا به خصوص پیامبر اسلام (ص)، امت واحده است و خداوند می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»^۴ و همین امت واحده به شهادت قرآن، امت وسط هم هست که می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»^۵.

سؤالی را که باید تفرقه‌گرایان پاسخ بدهند، این است که آیا با تحزب و تعصب شدید و طرد خشونت‌بار مسلمانان می‌شود امت وسط و امت

۲. بقره، ۱۳۵.

۳. مؤمنون، ۵۳.

۴. انبیاء، ۹۲.

۵. بقره، ۱۴۳.



با آنکه اهل کتاب در فروع دین به طور کامل با مسلمانان تفاوت دارند، ولی قرآن مجید به پیامبر اسلام (ص) مأموریت می‌دهد که از آنان برای تمرکز روی مشترکات اعتقادی دعوت کند و می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ».^۷ وقتی در اندیشه اسلامی راه برای تعامل و تشریک مساعی با اهل کتاب باز است، چرا برخی از مسلمانان همدیگر را تحمل نمی‌کنند و حق حیات برای هم‌کیشان خود قائل نیستند.

هسته نهضت همه انبیای الهی کلام حکمت‌آمیز «أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»^۸ بوده است و همه جهانیان شاهدند که انقلاب اسلامی در قرن مادی‌گرایی، موضوع مهم یکتاپرستی و اجتناب از طاغوت را احیا کرد و تفکر دینی و نسیم حیات طیبه را برای جهانیان به ارمغان آورد. نادیده گرفتن این حقیقت بارز، ظلم به حرکت مصلحان دینی قلمداد می‌گردد. کسانی که دوست را به جای دشمن محارب می‌نشانند، مگر در قرآن مجید نخوانده‌اند: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ».^۹ آیا به غیر از اسرائیل غاصب و حامیان جهان‌خوارش، کسی از این تفرقه‌انگیزی و برادرکشی منفعت می‌برد؟ آیا

واحد را به منصف ظهور رساند و دین حنیف را اقامه کرد و برتری و حقانیت آن را به جهانیان نشان داد؟ آیا این راههای هیجانی و سرشار از عصبانیت و تنازع، به تحقق این مفاهیم عالی قرآنی منتهی می‌شود؟ باید با تعقل و تفکر این مسیرها را ارزیابی کرد و دست به انتخابهای نجات بخشی زد و با اجتهادی برخاسته از قرآن و سنت و متناسب با این عصر، به سبک سلف صالح چراغ اصلاح فکر دینی را روشن ساخت و به آبادانی این بنای ویرانه پرداخت و گرنه دیر یا زود، منادی فریاد برمی‌آورد: «وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ»^۶ و آن روز کاری از دست کسی ساخته نیست و باید به حال تباه آخرت خود گریست که بهای سرزمین، جان و مال مسلمانان سنگین است و سزای تعرض کننده به آنها، چوب انتقام الهی است که دهشت آفرین و آتشین است.

۲) اعتقاد به توحید، نبوت و معاد (وجه اشتراک مسلمانان) و کلمه سواء

مسلمانان از هر فرقه و مذهبی، به توحید، نبوت و معاد اعتقاد راسخ دارند. به غیر از غلات، عموم مسلمانان به یگانگی خداوند، روز جزا و رسالت انبیا باور دارند و از این طریق به وادی ایمان راه یافته و از حقوق مسلمانی برخوردار شده‌اند. افترای شرک زدن به طایفه‌ای از آنان به دلیل تفاوت در استنباط، وجه شرعی و عقلی ندارد.

۷. آل عمران، ۶۴.

۸. نحل، ۳۶.

۹. فتح، ۲۹.

۶. صافات، ۲۴.



این جماعت تندرو در قرآن ندیده‌اند که خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شَبَعًا لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ».^{۱۰} در آسمان منطبق قرآن، اتحاد و اتفاق و اعتصام بحبل الله مثل خورشید می‌درخشد و هرگز لکه‌های ابر تفرقه قادر به پنهان کردن آن موهبت الهی نمی‌باشند.

امروزه بخش عظیمی از جهان اسلام در آتش خشم گروه‌های متخاصم می‌سوزد و شعله‌های جنگ داخلی روز به روز مخوف‌تر می‌گردد و هنوز هم استکبار و صهیونیسم جهانی به این مقدار ویرانی و انهدام حرث و نسل قانع نیست و می‌خواهد رسماً کل خلیج فارس و زیرساختهای تمدن مسلمانان را به دست خودشان طعمه نفاق و خصومت کند و فلسطین مظلوم و مسجد الاقصی را درهم کوبد و مصادره کند و سالیان متمادی نفت و گاز منطقه را به یغما برد و جهان اسلام را به قهقرا سوق دهد.

آیا وقت آن نرسیده است که تفرقه‌انگیزان کارنامه خود را بازخوانی کنند و راه اصلاح را در پیش گیرند، تا از نسیم رحمت الهی به وجد آیند و جبران مافات کنند، آن‌گونه که خداوند فرموده است: «ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمَلُوا الشُّوْءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ».^{۱۱}

۳) دین مهربانی و مدارا

در قرآن مجید، پیامبر اسلام (ص) نماد مهربانی و محبت است و «صاحب خلق عظیم» و «رحمة للعالمین» نامیده می‌شود و همین نرم‌دلی و ملاطفت را از رهگذر رحمت الهی به دست آورده است و در همین باره خداوند می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ».^{۱۲}

امروزه جریانهای تندرو و تکفیری به عنوان نماد خشونت و بی‌رحمی، مورد بهره‌برداری اسلام‌هراسان قرار می‌گیرند و مخالفان خود را صرف تفاوت در استنباط، سرکوب می‌کنند و مردم مسلمان را از خود گریزان می‌سازند. این روشهای افراطی در تضاد با منطبق قرآن و سیره پیامبر اسلام (ص) است و تناسبی با سیره سلف صالح ندارد. در شریعتی که پیامبر بزرگوارش «بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ»^{۱۳} است، نباید کسانی به خود حق بدهند که در آتش برادرکشی بدمند و با گسترش ناامنی، کیان امت اسلامی را به خطر اندازند. مؤمنانی که ولایت متقابل بر همدیگر دارند، نباید به دام تخاصم بیافتند، بلکه باید همانند «بُنَيَانٌ مَرصُوعٌ»^{۱۴} در راه خدا جهاد کنند.

۱۲. آل عمران، ۱۵۹.

۱۳. توبه، ۱۲۸.

۱۴. صف، ۴.

۱۰. انعام، ۱۵۹.

۱۱. نحل، ۱۱۹.